

Constructive Jihad in the struggle with the iron cage of modern bureaucracy in Iran

Mohammad Reza Ghaemi Nik¹

Research Paper

Received:
2 December 2022
Accepted:
1 May 2023
P.P: 11-48

ISSN: 2251-6980
E-ISSN: 2645-5234



Abstract

Constructive Jihad was formed after the Islamic Revolution to eliminate poverty in the villages and promote agriculture, but neglecting to pay attention to the social order and the philosophical foundations governing it, caused it to become a ministry in a short period of time. The purpose of this article is to show the difference between the organizational logic of constructive jihad and the modern bureaucratic organization at the level of social order analysis and its philosophical foundations. For this purpose, in this article, according to the social theory of Max Weber and Karl Marx, it has been shown how modern western bureaucracy has a relationship with the development of western capitalism. After that, considering Reza Khan's forced modernization and Pahlavi II's capitalist development programs, its effects on the development of western bureaucracy in Iran have been examined. In the next step, by adjusting the grounded theory under the influence of the social theory of the Islamic Revolution with the narration of Morteza Motahari, the components of constructive jihad were compiled through the coding of 30 interviews and compared with the common bureaucracy components in the Pahlavi period. In the conclusion, it is pointed out that neglecting the analysis of constructive jihad at the level of social theory and the philosophical foundations of the Islamic Revolution, caused the transformation of constructive jihad in the Ministry of Agricultural Jihad.

Keywords: constructive jihad; bureaucracy; Development of capitalism, social theory.

DOR: 20.1001.1.22516980.1402.31.1.1.7

1. Assistant professor, Department of Social Sciences, Razavi University of Islamic Sciences, Mashhad, Iran.
ghaeminik@Razavi.ac.ir

جهاد سازندگی در کشاکش با قفس آهنین بروکراسی مدرن در ایران

محمد رضا قائمی نیک^۱

۱

سال سی و دوم
بهار ۱۴۰۳

مقاله پژوهشی

تاریخ دریافت:

۱۴۰۲/۰۳/۲۵

تاریخ بازنگری:

۱۴۰۳/۰۳/۰۸

تاریخ پذیرش:

۱۴۰۳/۰۳/۰۸

تاریخ انتشار:

۱۴۰۳/۰۵/۱۴

صص: ۴۲-۱۱

شاپا چاپی: ۶۹۸۰-۲۲۵۱
الکترونیکی: ۲۶۴۵-۵۲۳۴

چکیده

جهاد سازندگی، پس از انقلاب اسلامی در ظاهر برای رفع محرومیت در روستاها و رونق کشاورزی شکل گرفت، اما غفلت از توجه به نظم اجتماعی و مبانی فلسفی حاکم بر آن، باعث شد تا در مدت کوتاهی تبدیل به وزارتخانه شود. هدف این مقاله، نشان دادن تمایز سازمانی جهاد سازندگی از سازمان بروکراتیک مدرن در سطح تحلیل نظم اجتماعی و مبانی فلسفی آن است. به این منظور در این مقاله با توجه به نظریه اجتماعی ماکس وبر و کارل مارکس، نشان داده شده که بروکراسی مدرن غربی چه نسبتی با توسعه سرمایه‌داری غربی دارد. پس از آن، با نظر به مدرنیزاسیون یا تجدید اجباری رضاخان و برنامه‌های توسعه سرمایه‌داری پهلوی دوم، تأثیرات آن در توسعه بروکراسی غربی در ایران بررسی شده است. در مرحله بعد، با تعدیل نظریه داده‌بنیاد تحت‌تأثیر نظریه اجتماعی انقلاب اسلامی با روایت مرتضی مطهری (ره)، مؤلفه‌های جهاد سازندگی از طریق کدگذاری ۳۰ مصاحبه احصاء شده و با مولفه‌های بروکراسی رایج در دوره پهلوی مقایسه شده است. در نتیجه‌گیری اشاره شده که غفلت از تحلیل جهاد سازندگی در سطح نظریه اجتماعی و مبانی فلسفی انقلاب اسلامی، باعث شد تا جهاد سازندگی در وزارت جهاد کشاورزی استحاله شود.

کلیدواژه‌ها: جهاد سازندگی؛ بروکراسی؛ توسعه سرمایه‌داری، نظریه اجتماعی

DOR:

۱. استادیار، گروه علوم اجتماعی، دانشگاه علوم اسلامی رضوی، مشهد، ایران. ghaeminik@Razavi.ac.ir

مقدمه

جهاد سازندگی با فرمان امام خمینی در خرداد ۱۳۵۸ تشکیل شد و در ظاهر، ناظر به آبادانی و محرومیت‌زدایی روستاها و کمک به رونق کشاورزی بود، اما به نظر می‌رسد منطق سازمانی^۱ حاکم بر جهاد، ناظر به قلمروهایی فراتر از آبادانی روستاها و فعالیت در قلمرو کشاورزی بوده است. یکی از دلایل ادعای فوق، استمرار فعالیت نیروهای جهاد سازندگی در جنگ تحمیلی است که عمدتاً معطوف به آماده‌سازی زیرساخت‌های آن بوده است. علیرغم این نکته، به لحاظ سازمانی و در سطح تصمیمات سیاسی کشور، جهاد سازندگی به همان انگاره کشاورزی و فعالیت در روستا تقلیل یافت و ابتدا در سال ۱۳۶۲ به عنوان وزارت جهاد سازندگی و پس از آن، در سال ۱۳۷۹ تبدیل به وزارت جهاد کشاورزی گردید.

به نظر می‌رسد یکی از دلایل عدم فهم منطق سازمانی متفاوت جهاد سازندگی و منطق حاکم بر سازمان‌های بروکراتیکی همچون وزارت‌خانه‌ها، بی‌توجهی به پیوند بروکراسی اداری و نظم سرمایه‌داری باشد که در جهان غرب شکل گرفت و در دوره پهلوی اول و دوم در ذیل الگوی مدرنیزاسیون و توسعه سرمایه‌داری این دوره در ایران اجرا شد. توجه به این پیوند، نیازمند تحلیل منطق سازمانی در ارتباط با نظم اجتماعی و مبانی فلسفی آن است.

با نظر به این مقدمه در این مقاله سعی شده است تا تمایز سطوح تحلیلی زیرسازمانی و سازمانی از سطح تحلیلی نظریه اجتماعی و مبانی فلسفی، با اشاره به نظریه ماکس وبر و کارل مارکس، نشان داده شود که سازمان بروکراتیک مدرن در ذیل نظم اجتماعی مدرن و به طور خاص نظام سرمایه‌داری شکل گرفته است. پس از آن، با مروری تاریخی بر برنامه‌های مدرنیزاسیون پهلوی اول و دوم، علل ناکامی اجراء این برنامه‌های توسعه سرمایه‌داری و به تبع آن، عدم موفقیت نهادینه‌سازی بروکراسی غربی در این دوره بررسی شود. همانطور که اشاره خواهد شد مطابق بعضی از نظریات، ناکامی اجرای برنامه‌های توسعه سرمایه‌داری و بروکراسی متناسب با آن در دوره پهلوی که با وقوع انقلاب اسلامی آشکار شد، ناشی از ناسازگاری منطق توسعه سرمایه‌داری و بروکراسی با منطق حاکم بر جامعه اسلامی-ایرانی بوده است. پس از آن، تلاش شده است تا با روایت شهید

1. Organizational logic

مطهری (ره) از نظریه اجتماعی و مبانی فلسفی متناسب با انقلاب اسلامی، نشان داده شود که جهاد سازندگی در کشاکش با سازمان بروکراسی غربی، در ذیل نظم اجتماعی متناسب با انقلاب اسلامی شکل می‌گیرد. به زعم نویسنده، بی‌توجهی به سطح تحلیلی نظریه اجتماعی از سازمان، مهمترین دلیل عدم استمرار منطق سازمانی جهاد سازندگی و استحاله آن در دیگر سازمان‌های بروکراتیک شده است. اهمیت و ضرورت مقاله حاضر دقیقاً ناظر به رفع چنین غفلی از تحلیل جهاد سازندگی است، زیرا به زعم نویسنده، با تحلیل جهاد سازندگی در این سطح است که می‌توان منطق جهاد سازندگی را به دیگر سازمان‌ها بسط داد و منطق عملکرد آن‌را در ذیل انقلاب اسلامی به درستی درک کرد. نوآوری این مقاله نیز دقیقاً تحلیل جهاد سازندگی در سطح تحلیلی نظریه اجتماعی و تا حدی مبانی فلسفی است که آن‌را صرفاً از یک نهاد عادی مدیریتی به یک عامل موثر در نظریه اجتماعی تبدیل می‌کند.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مبانی نظری این مقاله تأثیر بسیار زیادی بر بخش‌های دیگر آن، از جمله پیشینه پژوهش خواهد داشت؛ بنابراین در آغاز و به تفصیل، این مبانی تشریح خواهد شد و پس از آن، به شرح پیشینه و روش خواهیم پرداخت. چنان‌که اشاره شد مهم‌ترین مبانی نظری این مقاله تمایزی است که میان سطوح تحلیل سازمان می‌توان برقرار ساخت و با اتکا بر این تمایز تحلیلی، به نظریه اجتماعی متناسب با انقلاب اسلامی اشاره کرده و نتایج حاصل این تمایز را در بخش یافته‌های پژوهش ارائه خواهیم کرد.

تحلیل سازمان اداری مدرن در سه سطح

چنان‌که اشاره شد، یک سازمان را می‌توان در سطوح مختلفی مورد تحلیل قرارداد. در اینجا با استناد به میرزایی اهرنجانی (۱۳۸۵) سه سطح زیرسازمانی، سازمانی و نظریه اجتماعی به‌عنوان سه سطح تحلیل سازمان مورد توجه قرار گرفته‌اند.

سطح زیرسازمانی

سطح زیرسازمانی یا کارگاهی یک سازمان، ناظر به سطحی از تحلیل سازمان است که در آن، به مسائل و مشکلات کارگاهی و عملیاتی و مسائل واحدهای فرعی یک سازمان پرداخته می‌شود (میرزایی اهرنجانی، ۱۳۸۵: ۲۷۵). توجه به میزان پرداخت‌ها و تأثیر آن بر افزایش کارایی، تحول در روابط اتوماسیون اداری، بازرسی ماشین آلات و تجهیزات، بررسی‌های طبقه‌بندی مشاغل، بررسی‌های حقوق و دستمزد و تجزیه و تحلیل دستمزد و نظایر آنها (اهرنجانی اهرنجانی، ۱۳۸۵: ۲۷۹) از موضوعات نظریات زیرسازمانی است که می‌توان در آراء افرادی همچون تیلور، هنری آر. تاون، هنری متکالفه، سایمون (میرزایی اهرنجانی، ۱۳۸۵: ۲۷۸-۲۸۴) و همچون آنها دنبال کرد.

سطح سازمانی (درون سازمانی)

سطح سازمانی (درون سازمانی) در تحلیل یک سازمان، معمولاً ناظر به نظریه‌ای است که نظم درونی یک سازمان را مشخص می‌سازد. در این سطح، از یک منظر، دو نظریه عملیات‌گرایی و انسان‌گرایی وجود دارد که در نظریه اول، عملیات خود سازمان مورد توجه قرار می‌گیرد و در نظریه دوم، به منابع انسانی به‌عنوان عامل مؤثر سازمانی توجه می‌شود. فی‌المثل در ذیل نظریه عملیات‌گرایی، گیولیک، کارایی سازمان را به‌عنوان عامل اساسی تعریف می‌کند (میرزایی اهرنجانی، ۱۳۸۵: ۲۵۳) و یا فیول در اصول چهارده‌گانه خودش، سازمان را با مشاهدات دقیق آزمایشی مشخص می‌سازد (میرزایی اهرنجانی، ۱۳۸۵: ۲۵۴). تیلور و همکارانش، به مطالعات حرکات زمان و تسریع کارها در سازمان اهمیت می‌دهند و هربرت سایمون، در کتاب «رفتار اداری»، ویژگی سازمان مدرن را تفکیک ارزش‌های شخصی از واقعیت سازمانی می‌داند (میرزایی اهرنجانی، ۱۳۸۵: ۲۵۵) و یا مری پارکر فالوت، سازمان را تجلی عینی ایده کنترل تلقی می‌کند (میرزایی اهرنجانی، ۱۳۸۵: ۲۵۷) و بارنارد، سازمان را با مفهوم تصور تعدیل رفتار فردی از طریق کنترل و نفوذ سازمانی معرفی می‌نماید (میرزایی اهرنجانی، ۱۳۸۵: ۲۵۸). این نظریات به‌خوبی نشان می‌دهند که در این سطح از تحلیل، هر سازمانی با یک نظریه اداری یا سازمانی ناظر به خود سازمان معرفی می‌شود. همچنین در نظریات انسان‌گرایی، هرچند تعریف معطوف به منابع و نیروهای انسانی شده است، اما سطح تحلیل همچنان ناظر به سازمان است و فی‌المثل آرجیس ناظر به چگونگی افزایش کارآمدی سازمان از طریق بهبود شرایط منابع انسانی می‌اندیشد (میرزایی

اهرنجانی، ۱۳۸۵: ۲۵۷). در این سطح تحلیل، نظریه سازمان ناظر به روابط درونی یک سازمان طرح می‌شود و به روابط اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و گستره‌ای از روابط فراسازمانی کمتر التفات صورت می‌گیرد.

سطح نظریه اجتماعی و مبانی فلسفی

اگرچه سازمان بروکراتیک مدرن، در ظاهر، یک سازمان اداری است، اما از حیث تأثیر و تأثیری که نسبت به دیگر قلمروهای حیات انسانی دارد، تجلی یک نظم اجتماعی و مبانی فلسفی است که با تغییر این نظم و مبانی آن، طبعاً نظم سازمانی نیز متحول می‌شود. نظریات اجتماعی مدرن نیز به نوبه خود، مبتنی بر مبانی فلسفی هستند که می‌توان ریشه آنها در آرا فیلسوفانی نظیر دکارت، هابز، لاک و نظایر آنها دنبال کرد. از این منظر، همان‌طور که هنری اس. دنیسون، اشاره کرده است، شکل‌گیری نظریه اداری، تحت تأثیر مهندسی فلسفه سیاسی مدرن است (میرزایی اهرنجانی، ۱۳۸۵: ۲۵۵) و یا اسکات و هارت، با تأکید بر مفهوم کنترل در سازمان، آن را عامل مشترک نظریه سازمان بروکراتیک مدرن و نظریات سیاسی مدرن تعریف می‌کنند (اسکات و هارت، ۱۹۷۱: ۲۴۳-۲۴۹) و ریشه انسان‌سازمانی مدرن را در انسان‌شناسی هابز یافته‌اند (میرزایی اهرنجانی، ۱۳۸۵: ۲۴۰). به علاوه بعضی از پژوهشگران، ویژگی‌های دیگری از سازمان بروکراتیک مدرن، همچون کمی‌گرایی را انحصار روش‌شناختی دکارت به روش‌های کمی و ریاضیاتی (میرزایی اهرنجانی، ۱۳۸۵: ۴۸-۵۰)، یا ویژگی تفکیک ارزش از واقعیت سازمانی را در تفکیک عقل نظری از عقل عملی کانت (میرزایی اهرنجانی، ۱۳۸۵: ۶۳-۶۵) دنبال کرده‌اند. با این حال با توجه به اینکه این فیلسوفان و نظریه پردازان مدرن، به تصریح درباره سازمان مدرن به طرح بحثی پرداخته‌اند، در این مقاله به نظریه کارل مارکس و بیش از او تحلیل وبر از سازمان بروکراتیک مدرن که به تصریح بیان شده، پرداخته شده است.

نظریه ماکس وبر

تحلیل وبر از بروکراسی علاوه بر آنکه ناظر به تحلیل سازمان بروکراتیک از منظر یک نظریه اجتماعی است، پیوند وثیق سازمان بروکراتیک را با نظم سرمایه‌داری غربی نشان می‌دهد. در ادامه، مؤلفه‌های خاص تحلیل وبر از بروکراسی ذکر شده و در این بخش، بیشتر چارچوب نظری او

مورد توجه قرار گرفته است. تحلیل وبر از بروکراسی، از یک سو در پیوند میان نظریه سیاسی او درباره انواع سلطه و از سوی دیگر، برآمده از عقلانیت متأثر از علوم طبیعی است. این دوسویه را وبر در توضیح ارتباط بروکراسی مدرن و سرمایه‌داری جمع می‌کند، زیرا از نظر وبر، «بروکراسی» به معنای اقتدار بروکراتیک فقط در جوامع سیاسی دولت نوین و اقتصاد خصوصی و خلاصه تنها در پیشرفته‌ترین نهادهای سرمایه‌داری به وجود می‌آید (وبر، ۱۳۹۹: ۲۲۵).

وبر، انضباط را محصول سلطه سیاسی (اعم از سلطه فرهمندان یا سلطه قانونی) می‌داند و سازمان بروکراتیک، را عقلانی‌ترین پیامد این انضباط معرفی می‌کند (وبر، ۱۳۹۹: ۲۸۷-۲۸۸). از این منظر همه قلمروهایی که تحت تاثیر نظام سیاسی هستند، اعم از قوانین استخدامی و شغلی (وبر، ۱۳۹۹: ۲۲۵)، نظام آموزشی و تربیتی (وبر، ۱۳۹۹: ۲۲۷-۲۳۰)، دموکراسی و نهادهای انتخاباتی و دموکراتیک (وبر، ۱۳۹۹: ۲۵۷)، اقتصاد سیاسی و مشخصاً اقتصاد پولی (وبر، ۱۳۹۹: ۲۳۴)، مسئله قانون و آیین‌نامه‌های قانونی (وبر، ۱۳۹۹: ۲۴۷-۲۵۰) طبقات و اقشار اجتماعی (وبر، ۱۳۹۹: ۲۵۶)، محافظه‌کاری سیاسی و تجمیع قدرت در دست طبقات خاص (وبر، ۱۳۹۹: ۲۶۵) و نظایر آنها از خلال روابط بروکراتیک که عمدتاً در سازمان بروکراتیک متجلی می‌شوند، سامان می‌یابند. سامان‌یابی خاص این قلمروها در ذیل بروکراسی، تابع عقلانیتی است که بر سلطه قانونی حکم فرماست و وبر آن را به شکلی متمایز از سلطه کاریزماتیک توضیح می‌دهد (وبر، ۱۳۹۹: ۲۷۸-۲۸۳).

همان‌طور که سی‌رایت میلز اشاره می‌کند، «اصل عقلانی‌شان عام‌ترین عنصر فلسفه تاریخ وبر را تشکیل می‌دهد، زیرا صعود و سقوط ساختارهای نهادین و فراز و نشیب‌های طبقات و احزاب و فرمانروایان حرکت آرام عقلانی‌شان دنیوی را تحقق می‌بخشند» (مقدمه میلز بر وبر، ۱۳۹۹: ۶۱). این روند روبه‌رشد عقلانی‌شان که مترادف با تحول رو به پیشرفت از سلطه کاریزماتیک به سلطه سنتی و پس از آن، سلطه قانونی در فلسفه تاریخ وبر، است، در بروکراسی جلوه‌گر می‌شود. اما آنچه پیوند میان بروکراسی را با عقلانیت برآمده از علوم طبیعی روشن می‌سازد، دقیقاً تبعیت این فلسفه تاریخ از تحول و رشد دستاورد بزرگ علوم طبیعی، یعنی ابزار فنی (فناوری) ماشینی است. به همین جهت وبر، از میان همه عوامل مؤثر بر تکوین بروکراسی، بر رشد ابزار فنی انگشت می‌گذارد. «علت اصلی پیدایش و توسعه سازمان بروکراتیک، همواره برتری صرفاً فنی آن بر سایر

شکل‌های سازمان‌دهی بوده است. نسبت سازوکار کاملاً توسعه یافته بروکراتیک به سازمان‌های دیگر، درست مانند نسبت تولید ماشینی به شیوه‌های تولید غیر ماشینی است» (وبر، ۱۳۹۹: ۲۴۴).

باین حال وبر در توضیحی دقیق از منشأ سرمایه‌داری، ظهور آن را به همان عاملی گره می‌زند که بروکراسی بر اساس آن تکوین یافته و رشد پیدا می‌کند. همان‌طور که می‌دانیم مشهور است که اخلاق پروتستانی را منشأ ظهور سرمایه‌داری معرفی می‌کند، اما او در مقدمه این کتاب، در کنار زهد دنیوی اخلاق پروتستان، به عامل مهم دیگری در تکوین سرمایه‌داری می‌پردازد. روشن است که شکل خاص و جدید سرمایه‌داری غربی تا حدود زیادی در اثر تکامل امکانات فنی ایجاب شده است. امروزه عقلانیت آن ماهیتاً به امکان محاسبه فنی تعیین‌کننده یعنی به یک محاسبه دقیق و اساسی بستگی دارد و این در حقیقت بدان معنی است که عقلانیت آن به ویژگی‌های علوم جدید به‌ویژه طبیعی مبتنی بر ریاضیات و آزمایش دقیق و عقلانی وابسته است. از سوی دیگر تکامل این علوم و فنون مبتنی بر آن نیز متقابلاً در کاربرد عملی و اقتصادی خود از منافع سرمایه‌دارانه انگیزشی تعیین‌کننده دریافت کرده و می‌کنند. (وبر، ۱۳۸۵: ۳۱-۳۲).

بنابراین، سرمایه‌داری و سازمان بروکراتیک، از حیث تأثیر از عقلانیت برآمده از علوم طبیعی مدرن اشتراک دارند. اما وبر، با اشاره به مفهوم مهم «قفس آهنین» که در توصیف روابط بروکراتیک تشدید یافته است، تحلیل خودش دربارهٔ ابتدای سرمایه‌داری بر اخلاق پروتستانی را با آن گره می‌زند. «پیوریتن، به میل خود می‌خواست به تکلیف شغلی خود عمل کند، درحالی‌که ما مجبوریم چنین کنیم؛ زیرا وقتی ریاضت‌کشی از دخمه‌های دیر به حیات شغلی انتقال یافت و تسلط خود را بر اخلاق دنیوی آغاز کرد، سهم خویش را در بنای جهان عظیم نوین اقتصادی ایفا نمود. این نظم اکنون به شرایط فنی و اقتصادی تولید ماشینی وابسته است که امروزه سبک زندگی همهٔ کسانی را که در این مکانیسم متولد می‌شوند و نه فقط کسانی را که مستقیماً با مال‌اندوزی اقتصادی مرتبط‌اند، با نیرویی مقاوم‌ناپذیر تعیین می‌نماید و شاید تا زمانی که آخرین تُن زغال‌سنگ مصرف شود تعیین نماید. به نظر باکستر، غم نعمت‌های دنیوی بایستی فقط مثل ردای سبکی که هر لحظه بتوان به‌دور انداخت بر شانهٔ انسان مقدس قرار داشته باشد، اما سرنوشت چنین می‌خواست که ردای سبک، به قفسی آهنین مبدل شود... اما سرمایه‌داری پیروز، از وقتی که شالوده‌های ماشینی استوار شده است، دیگر به حمایت پروتستانیسم نیازی ندارد» (وبر، ۱۳۸۵: ۱۹۰-).

۱۹۱). آنتونی گیدنز در توضیح این فقره در مقدمهٔ بر چاپ انگلیسی اثر، رابطهٔ سرمایه‌داری و بروکراسی مدرن با تصریح بیشتری روشن می‌سازد؛ «اگرچه اخلاق پروتستانی عمدتاً به منشأهای سرمایه‌داری جدید می‌پردازد، اما در اینجا انتقاد گزندهٔ وبر از توسعهٔ اخیر فرهنگ صنعتی معاصر به عنوان یک کل را نیز بیان می‌کند. پیوریتانیسم به خلق قفس آهنینی که انسان جدید مجبور به زندگی در آن است، یعنی یک نظم بروکراتیک دائم‌الزاید که التذاذ خودانگیختگی از زندگی بی‌رحمانه از آن محو شده است، یاری رساند» (گیدنز، ۲۰۰۱: Xviii). روبرت میشل دیدگاه وبر را در نظریهٔ خرد جامعه‌شناسی سازمان به کار گرفت و مخصوصاً بر الیگارش‌ی آهنین آن تأکید ورزید (میرزایی اهرنجانی، ۱۳۸۵: ۲۳۸-۲۴۵).

نظریهٔ کارل مارکس

توجه به ویژگی ابزاری بروکراسی مدرن و پیوند آن با «ابزار تولید» در نظام سرمایه‌داری می‌تواند موضع مارکس دربارهٔ بروکراسی مدرن را روشن سازد. همان‌طور که می‌دانیم از نظر مارکس، شیوهٔ تولید سرمایه‌داری، شامل دو مؤلفهٔ اساسی نیروی تولید و ابزار تولید است. رابطهٔ کارگر به عنوان صاحب نیروی تولید، با سرمایه‌دار به مثابه صاحب ابزار تولید، در نظام سرمایه‌داری رابطهٔ تضاد دیالکتیکی است. در روابط تولید سرمایه‌داری، آنچه ارزش مصرفی را تعیین می‌کند، کارِ کارگر است، اما نیروی کارِ کارگر که توسط زمان کار اجتماعاً لازم سنجیده می‌شود، خود را در ارزش مبادله‌ای نشان می‌دهد. سرمایه‌دار، بر اساس قراردادهایی که با کارگر می‌بندد، ظاهراً محصول کار او را خریداری می‌کند، اما در واقع، نیروی کار او را نیز می‌خرد. با این حال، نه محصول کار، بلکه همان نیروی کار است که ارزش مبادله را تعیین می‌کند و منشأ ارزش اضافی می‌شود و همین ارزش، برای سرمایه‌دار، حیاتی است (مارکس، ۱۹۷۶: ۳۰۰-۳۰۱). به همین جهت، از نظر مارکس، همان‌طور که سرمایه‌داری کارگر را نسبت به کارش از خودبیگانگی می‌سازد، بروکراسی مدرن نیز باعث از خودبیگانگی در نظام سرمایه‌داری می‌شود (لوفور، ۱۹۶۸: ۱۴۵-۱۴۶). امتداد دیدگاه انتقادی مارکس دربارهٔ مسئلهٔ روابط ماشینی بروکراسی، مخصوصاً در نیمهٔ دوم قرن بیستم با طرح مسئلهٔ صنعت فرهنگ توسط مکتب فرانکفورتی‌ها پیگیری شد. خواه از منظر صنعت فرهنگ آدرنو و هورکهایمر بنگریم و خواه از منظر انسان تک ساحتی مارکوزه، مسئلهٔ

اصلی آنها نفی علقه‌ رهایی‌بخشی توسط نگاه ماشینی و بروکراتیک در دنیای سرمایه‌داری است (میرزایی اهرنجانی، ۱۳۸۵: ۲۱۵).

پیوند بروکراسی و سرمایه‌داری

وبر و مارکس، هرچند از زاویه نگاه متفاوت، اما هر دو میان سرمایه‌داری و بروکراسی ارتباط وثیقی برقرار ساخته‌اند. در مقام جمع‌بندی با تمرکز بر سه مفهوم، این اشتراک نظر ترسیم شده است.

الف) عقلانیت ابزاری: چنان‌که اشاره شد، تأکید بر ابزاری بودن بروکراسی و غلبه نگاه فنی و ماشینی بر آن، مهم‌ترین ویژگی مشترک تحلیل وبر و مارکس از بروکراسی سازمانی است. با این حال وبر تجلی ابزاری بودن را در عقلانیت ابزاری توضیح می‌دهد و آن را مبنای تحلیلش از سرمایه‌داری قرار می‌دهد و مارکس از خلال تحلیل رابطه روابط تولید و در اختیار داشتن ابزار تولید توسط سرمایه‌داری مورد توجه قرار داده است.

ب) ایدئولوژیک بودن بروکراسی: همان‌طور که می‌دانیم مارکس ایدئولوژی را مادامی که نظام سرمایه‌داری برقرار باشد، آگاهی کاذبی می‌داند که مانع از انقلاب کارگری می‌شود. از این منظر، ویژگی‌هایی که وبر برای بروکراسی مدرن بر می‌شمارد، مخصوصاً تخصصی شدن امور و وابسته بودن بروکراسی مدرن به آموزش‌های خاصی که مختص طبقه سرمایه‌داری خواهد بود، می‌تواند به مثابه وجه مشترک تحلیل وبر و مارکس از سرمایه‌داری و بروکراسی باشد.

ج) از خودبیگانگی: از خودبیگانگی عمدتاً مفهوم مشهوری نظریه مارکس است که در آن، کارگر، نسبت به کار خویش در نظام سرمایه‌داری، از خودبیگانه می‌شود. «به خود اختصاص دادن محصول کار، به صورت از خودبیگانگی نمایان می‌شود، تاحدی که کارگر هر چه بیشتر تولید کند، کم‌تر متصرف می‌شود و بیشتر، تحت سلطه محصول کارش، یعنی سرمایه درمی‌آید» (مارکوزه، ۱۳۸۸: ۲۸۷). با این حال تأکید وبر بر جدایی ارزش‌های پیوریتنی از واقعیت سرمایه‌داری یا گسست میان ارزش‌های انسانی و واقعیت ماشینی بروکراسی که در استعاره قفس آهنین نمودار شده است، نشان می‌دهد که از خودبیگانگی در نظام سرمایه‌داری و روابط بروکراتیک سازمانی، تنها محدود به طبقه کارگر نیست و شکل عام‌تری دارد.

نظریه اجتماعی انقلاب اسلامی

باتوجه به اینکه در این مقاله، تحلیل سازمان بروکراتیک در ذیل نظریه اجتماعی سرمایه‌داری غربی انجام شده و ورود آن به ایران نیز با همین دیدگاه دنبال شده است، اکنون برای تحلیل مؤلفه‌های جهاد سازندگی به‌مثابه یک سازمان، منطقی‌می‌بایست آن را در ذیل نظریه اجتماعی انقلاب اسلامی تحلیل کرد تا بتوان به نقاط تمایز و تشابه جهاد سازندگی و سازمان بروکراتیک مدرن غربی پرداخت. هرچند نظریه اجتماعی انقلاب اسلامی و مبانی فلسفی آن، هنوز به انسجام قابل توجهی نیافته است، اما دستکم می‌توان به اقتضای این مقاله این نظریه را باتوجه به دیدگاه شهید مرتضی مطهری (ره) در آثاری همچون جامعه و تاریخ صورت‌بندی کرد. این دیدگاه به لحاظ زمانی نیز قرابت کافی با دوره شکل‌گیری جهاد داشته و بعضی از افراد جهاد، تحت تأثیر آرای مرتضی مطهری (ره) بوده‌اند.

مرتضی مطهری (ره) در امتداد علوم اسلامی مخصوصاً حکمت اسلامی و در نقد نظریات جامعه‌شناسی کلاسیک، سعی کرد تا رابطه فرد و جامعه را به‌گونه‌ای توضیح دهد که استقلال جامعه از افراد، مانع اختیار فردی نشود. جامعه، بر مبنای اصالت و تشکیک در وجود، از سطح مادی تا سطح مجرد را شامل می‌شود. افراد جامعه بر اساس حرکت جوهری، این اختیار را تا سطوح تجرد جامعه ارتقا یابند و جبر اجتماعی را تغییر دهند؛ بنابراین رابطه اختیار فردی و جبر اجتماعی و تاریخی، بر اساس «لا جبر و لا تفویض، امر بین الامرین» به زبان فلسفی توضیح داده می‌شود. انسان‌شناسی فرد یا کنشگر اجتماعی در نظریه مرتضی مطهری (ره)، بر مبنای اصل فطرت توضیح داده می‌شود. باین حال توضیح شهید مطهری از فطرت به‌مثابه نوعی استعداد و بالقوگی، امکان تغییرات و تکامل فردی را نیز به حیات اجتماعی و تاریخی گره می‌زند. انسان به‌حسب خلقت با یک سلسله استعدادها و امکانات، آفریده شده که به فعلیت رسیدن و به کمال رسیدن این استعدادها جز در پرتو تعاون اجتماعی امکان ندارد. حیوان هر مقدار استعدادی که دارد در همان زندگی انفرادی‌اش ظهور می‌کند و به فعلیت می‌رسد... اما انسان استعدادهایی [مثل استعداد کسب علم و فراگیری دارد] که آنها را فقط در جامعه می‌تواند به فعلیت برساند و اگر جامعه‌ای نباشد به فعلیت نمی‌رسند (مطهری، ۱۳۸۰ ج ۱۵: ۵۴۲-۵۴۳).

به تبع تکامل افراد، جوامع نیز تکامل می‌یابند و با نظر به اینکه از نظر شهید مطهری (ره)، هم فرد و هم جامعه اصیل و مشاء اثر هستند، حرکت جوامع در تاریخ نیز بر همین اساس تشکیکی توضیح می‌یابد. «تکامل یک مفهوم تشکیکی است. تکامل این است که شیء یک چیزی را دارد بعد در همان [چیزی] که دارد افزایش پیدا می‌کند نه اینکه دارای چیز دیگری در کنار آن می‌شود. اصلاً معنای نقص و کمال این است که نسبت کامل‌تر با ناقص‌تر آن است که مابه‌الامتیازش با ناقص‌تر در همان مابه‌الاشتراک آن است و این جز با اینکه ما فلسفه وجودی خودمان را بپذیریم، معنی ندارد» (مطهری، ۱۳۸۰ ج ۱۳: ۷۸۰-۷۸۳). از این منظر، مسیر تکامل جامعه دینی مدنظر شهید مطهری، بر اساس نیروی محرک تاریخی دینی و به‌طور مشخص، انبیاء و اولیاء الهی رقم می‌خورد و از فلسفه‌های تاریخ تجدید غربی که مبنای نظریه‌های توسعه سرمایه‌داری محسوب می‌شوند، به‌طور کلی متمایز است. البته بر اساس قاعده جبر و اختیار، طبیعی است که در این مسیر تکاملی، به سبب اعراض افراد از مسیر تکامل، جوامع و تاریخ نیز در مقاطعی برخلاف مسیر تکاملی تاریخ حرکت می‌کنند؛ اما این مقاطع مخالف تکامل، به دلیل غلبه کلی حق بر باطل، ناقص تکامل کلی تاریخ نیست. شهید مطهری این نوع از تکامل را با تکامل مجموعی توضیح می‌دهد. اگر مجموع جامعه‌ها را در مجموع زمان‌ها و به عبارت دیگر بشریت را در مجموع زمان‌ها در نظر بگیریم، متکامل است که این از خصلت خاص زندگی اجتماعی و خصوصیت بشر سرچشمه می‌گیرد» (مطهری، ۱۳۸۹ ج ۱: ۴۳-۴۵). از نظر شهید مطهری، غایت این مسیر تکاملی در تاریخ، با نظریه مهدویت در تشیع گره می‌خورد. از سوی دیگر، مهدویت به دلیل گره خوردن با نظریه انسان کامل در عرفان و حکمت اسلامی، با نظریه فطرت نیز سازگار است و از این منظر، پایان تاریخ بشری، با تکامل فطری کل بشریت همراه خواهد بود. انسان چنین آینده‌ای در پیش دارد و چنین مقصدی در جلو دارد، مقصد شناخت خود، مقصد پیروزی نهایی بر اباطیل و در اطاعت در آوردن جنبه‌های فطری انسانی و همین جریان مبارزه حق و باطل است که ادامه پیدا می‌کند و رو به پیش است و جلو می‌رود تا آنجا که بر طبق پیش‌بینی‌هایی که اولیای دین کرده‌اند در نهایت امر منجر به حکومت و دولتی می‌شود که از آن به دولت مهدی (عج‌الله) تعبیر می‌شود» (مطهری، ۱۳۸۹ ج ۱: ۴۱). شهید مطهری (ره) انقلاب اسلامی را بخشی از این تکامل تاریخی می‌داند.

پیشینه پژوهش

پیشینه این مقاله نقشی بسیار مؤثر بر موضوع آن دارد؛ به همین جهت، پیشینه این تحقیق را در دو دسته از آثار بررسی کرده‌ایم.

الف) در دسته اول، پژوهش‌هایی قرار دارند که در سطح زیرسازمانی یا سازمانی به تحلیل جهاد سازندگی پرداخته‌اند. مقاله «الگوی پارادایمی جهاد سازندگی بر اساس گفتمان ولایت فقیه، قانون اساسی و تجارب نظام جمهوری اسلامی ایران» از حسین میرزایی و دیگران (۱۳۹۹) با بهره‌گیری از روش داده‌بنیاد و کدگذاری مصاحبه‌ها، جهاد سازندگی را به‌مثابه یک پارادایم مدیریتی متفاوت و ذیل جهان‌بینی اسلامی، گفتمان ولایت فقیه و اصول مرتبط قانون اساسی بررسی کرده است. مهدی روح‌اللهی و دیگران (۱۳۹۷) در مقاله «الگوی شکل‌گیری نوآوری اجتماعی در جهادسازندگی»، با تکیه بر ۳۰ مصاحبه هدفمند و دیگر اسناد، عمدتاً با رویکرد زیرسازمانی به بررسی الگوهای نوآوری جهاد سازندگی پرداخته‌اند. عمده دستاورد این مقاله معطوف به رویکرد زیرسازمانی است. مقاله «سیر تطور مدیریت جهادی در نهادهای انقلاب اسلامی (مطالعه موردی جهاد سازندگی)»، از حمیدرضا قایدعلی و غلامرضا سلیمی با تحلیل ۵۷ مقاله از همایش‌های ملی مدیریت و فرهنگ جهادی، تطورات جهاد سازندگی را شامل پنج مرحله تشکیل جهاد سازندگی (۱۳۵۸)، شروع جنگ تحمیلی (۱۳۵۹)، وزارت‌خانه‌شدن جهاد سازندگی (۱۳۶۲)، پایان جنگ تحمیلی (۱۳۶۷) و ادغام در وزارت جهاد کشاورزی (۱۳۷۹) می‌دانند. در این تحلیل، نقطه اوج و بلوغ جهاد، تبدیل شدن به وزارت‌خانه (۱۳۶۲) بوده و نقطه افول آن، پس از جنگ تحمیلی و ادغام در وزارت جهاد کشاورزی بوده است. چنانکه در ادامه خواهد آمد، داده‌های مقاله حاضر و نیز سطح تحلیل آن باعث شده تا نقطه افول جهاد سازندگی در همان سال ۱۳۶۲ و تبدیل شدنش به وزارت‌خانه تحلیل شود. حمیدرضا قایدعلی با همکاری مهدی عاشوری در مقاله‌ای دیگر با عنوان «مدیریت جهادی شیوه‌ای تحقق‌یافته از مدیریت اسلامی (مطالعه موردی جهاد سازندگی در دهه نخستین انقلاب اسلامی ایران)» پس از بیان پنج رویکرد نظری درباره مدیریت اسلامی و تشریح رویکرد نظری «تأثیر ارزشهای اسلامی بر مدیریت»، عملکرد جهادسازندگی را به‌عنوان نمونه‌ای نزدیک به این رویکرد مورد بررسی قرار داده است. آنها هسته

مرکزی ارزش‌های جهادگران جهاد سازندگی را گزاره‌های «خدمت به خلق خدا»، «کار برای رضای خدا» و «تلاش در رفع تنگناهای ایجاد شده به وسیله تجاوز دشمنان» می‌دانند. تمایز مهم مقاله حاضر با این دست پژوهش‌ها که منحصر به موارد مذکور هم نیست، در سطح تحلیل نظریه اجتماعی نسبت به سطح تحلیل سازمانی یا زیرسازمانی است.

ب) دسته دوم پژوهش‌ها که با موضوع این مقاله قرابت بیشتری دارند، جهاد سازندگی را در سطحی فراتر از سازمان و بعضاً به مثابه یک نهاد دارای ایده یا ایدئولوژی در نظر گرفته‌اند. مقاله «بررسی زمینه‌های حاکمیتی جهاد سازندگی و نقش این زمینه‌ها در دستاوردهای آن از تشکیل تا ادغام، ۱۳۸۰-۱۳۵۸»، از حسین راحلی و علی شکوری، سعی کرده است تا با نگاهی فراسازمانی، تطورات جهاد سازندگی را مورد تحلیل قرار داد. نویسندگان سه مرحله دیوان‌سالاری‌زدایی بر پایه نفی اصول اداری رژیم سابق، دیوان‌سالاری‌گرایی و دیوان‌سالاری‌شدن را ارائه کرده‌اند. به‌زعم آنها فرایند جهاد نشانگر آن است که جهاد سازندگی، از ماهیت توسعه‌ای خود و تحکیم نظام به سمت ماهیت حفظ موقعیت سازمان و بقاء خود جهاد کشیده شده و لذا مضمحل شده‌اند. این مقاله از حیث نگاه تاریخی به تحولات جهاد سازندگی، قرابت‌هایی با موضوع مقاله حاضر دارد، اما به سطح تحلیل نظریه اجتماعی ورود نکرده است. «شناسایی مؤلفه‌های سازمان‌های فضیلت‌محور و جهادی؛ مورد پژوهش: کمیته انقلاب اسلامی و جهاد سازندگی» از حسن دانایی‌فرد و دیگران (۱۳۹۴) با توجه به رابطه سازمان با نظریه اخلاقی، سعی کرده‌اند از دید اخلاق فضیلت، دو نهادی که بعد از انقلاب تشکیل شده‌اند را از خلال انجام مصاحبه با مدیران آنها بررسی کنند. مولفه‌های اخلاق فضیلت در این دو سازمان، «هم‌رشدی، تقوای سازمانی، اخوت سازمانی، حکمت، ایثار همه‌گیر، شجاعت، اخلاص، مجاهدت مستمر، اسوگی مدیر و انعطاف‌پذیری» بوده است. مقاله «شناسایی مولفه‌های فرهنگ سازمانی جهادی با تکیه بر تجربه مدیران جهاد سازندگی» از میثم ظهوریان و دیگران (۱۳۹۷)، از طریق مصاحبه با ۲۵ نفر از مدیران جهاد سازندگی، در نهایت به هشت مضمون «انعطاف‌پذیری مولد رشد، دین‌محوری، سبک زندگی دینی، الگوی ارتباطی باز، سبک رهبری همدلانه، فرهنگ متعالی کار، همکاری و مشارکت و مردم‌داری»، به‌عنوان مولفه‌های فرهنگ جهادی رسیده است. نویسندگان در این مقاله کوشش کرده‌اند که جهاد سازندگی را در سطح فرهنگ جهادی مورد توجه قرار دهند. همین نویسندگان در مقاله دیگری با

عنوان «کشف عوامل مؤثر بر استحالهٔ نهاد جهاد سازندگی: تحلیل شبکه مضامین از همان نویسندگان» (۱۳۹۷) و با همان جامعهٔ مصاحبه‌شوندگان، به سه مضمون «عوامل بیرونی، عوامل درونی فرهنگی و تغییرات درونی ساختاری» به عنوان عوامل استحالهٔ جهاد سازندگی اشاره کرده‌اند؛ نویسندگان در این مقاله جهاد سازندگی را در سطحی فراتر از سامان و به‌مثابه یک نهاد دارای ایدئولوژی مورد توجه قرار داده‌اند. محمدجواد ایروانی، (۱۳۷۷) در کتاب «نهادگرایی و جهاد سازندگی»، علاوه بر تحلیل جهاد در سطح فراتر از یک سازمان و به‌مثابه یک نهاد، به این نتیجه رسیده است که جهاد سازندگی دارای ویژگی‌های نهاد (مردم‌گرایی، ارزشمندی، انعطاف‌پذیری، استمرار و پویایی) بوده و دارای ویژگی‌های فراتر از ویژگی‌های شناخته شدهٔ نهادهای مرسوم یعنی خودباوری، نوگرایی، دین‌محوری، ولایت‌مداری و فرهنگ خاص سازمانی است. اریک سنדר لوب (۱۳۹۶) در کتاب «تاریخچهٔ سازمانی جهاد سازندگی ایران از تاسیس تا نهادسازی (۱۳۵۸-۱۳۹۰)» که توسط هادی و محسن جعفری ترجمه شده است، تحت تاثیر نظریات بروکراسی غربی به تحلیل جهاد سازندگی پرداخته است؛ مهمترین وجه مشابه مقاله حاضر و کار اریک لوب، تحلیل جهادسازندگی در سطح نظریهٔ اجتماعی است که عمدتاً تحت تاثیر نظریات اجتماعی-سیاسی دربارهٔ انقلاب اسلامی همچون نظریهٔ چارلز تیلی، جهاد سازندگی به عنوان نهاد برآمده از انقلاب اسلامی را مورد تحلیل قرار داده است؛ بنابراین علیرغم این شباهت، مسیر لوب به کلی متفاوت از تحلیل ما در این مقاله است، زیرا لوب، با نگاهی شبه‌شرق‌شناسانه، از منظر منطق بروکراسی مدرن به تحلیل جهاد پرداخته و مقاله حاضر به کشاکش جهاد سازندگی با بروکراسی مدرن در ایران توجه نشان داده است.^۱ مقاله حاضر اگرچه از وجوهی مشابه با پژوهش‌های دسته دوم است، اما سعی کرده با بررسی تاریخی دقیق‌تر، کشاکش جهاد سازندگی را با سازمان بروکراتیک باقی‌مانده از دورهٔ پهلوی، با نظر به تحلیل آن در سطح نظریهٔ اجتماعی نشان دهد.

۱. در انتشار این اثر به زبان فارسی، دو نقد از محمود مهام و حسین بابایی مجرد بر این کتاب افزوده شده است. در این نقدها به زاویهٔ مشترقانهٔ لوب در تحلیل جهاد سازندگی اشاره شده است (لوب، ۱۳۹۶: ۲۶۳-۲۶۶).

روش تحقیق

در این مقاله جهت احصاء مؤلفه‌های جهاد سازندگی، از روش گرند تئوری^۱ یا نظریه داده‌بنیاد استفاده شده که در آن، تحقیق، با یک تئوری و سپس اثبات آن آغاز نمی‌شود، بلکه روند تحقیق با یک حوزه مطالعاتی شروع گردیده و به تدریج، موارد مرتبط پذیرا می‌شوند (استراوس و کرین، ۱۹۹۸: ۵۰). به نظر گلیسر و استراوس، کشف تئوری بر اساس گردآوری نظام مند داده، در پژوهش‌های علوم اجتماعی است (گلیسر و استراوس، ۱۹۶۷: ۱۳). چنان‌که مشهور است، در این نظریه، اطلاعات پژوهش، در سه مرحله کدگذاری باز، کدگذاری محوری و کدگذاری انتخابی، به تدریج به‌سوی صورت‌بندی یک نظریه رهنمود می‌شود (استراوس و کرین، ۱۹۹۸: ۱۰۰-۱۵۰).

به لحاظ مبانی روش‌شناختی، مطابق نظر پاول (۱۹۹۹: ۶۷) یا نیومن (۱۹۹۷: ۲۳۴) از آنجا که این روش، مبتنی بر استقراء شکل گرفته است، در مرحله صورت‌بندی یک نظریه متقن و یقینی، دچار نسبی‌گرایی روش‌شناختی خواهد شد. در این مقاله برای رفع این نسبی‌گرایی روش‌شناختی، به کارگیری آن تعدیل شده و کدگذاری یافته‌های تحقیق بر اساس نظریه انقلاب اسلامی به روایت مرتضی مطهری (ره) صورت‌بندی شده است.

یافته‌های پژوهش

یافته‌های تاریخی پژوهش

توسعه سرمایه‌داری و بروکراسی در ایران معاصر

ما با تحلیل وبر و مارکس، به ارتباط وثیق میان سرمایه‌داری غربی و سازمان بروکراتیک مدرن، اشراف پیدا کردیم. به این معنا به نظر می‌رسد بازتولید روابط سرمایه‌داری غربی در دیگر مناطق جهان، متضمن بسط روابط بروکراتیک مدرن نیز باشد. در این قسمت و قسمت بعدی مقاله، نشان داده شده که توسعه سرمایه‌داری غربی در ایران، مخصوصاً در ذیل مدرنیزاسیون اجباری پهلوی اول و بیش از آن، برنامه‌های عمرانی (توسعه) پهلوی دوم، چگونه به شکل‌گیری و گسترش بروکراسی در ایران کمک کرد.

1. Grounded Theory

درباره تحولات و برنامه‌های اجرا شده دوره پهلوی اول و دوم و وقوع انقلاب اسلامی در ایران، دستکم دو تحلیل وجود دارد. می‌دانیم که به طور طبیعی اجرای برنامه‌های عمرانی (از ۱۳۲۷) در دوره پهلوی دوم، بایستی باعث رضایت عمومی می‌شد و وقوع انقلاب در پایان برنامه عمرانی پنجم (۱۳۵۶) و آغاز برنامه هفتم، برخلاف انتظار و به مثابه یک رخداد بحرانی تعریف شد. در تحلیل این رخداد بحرانی، دستکم دو دسته نظریه وجود دارد که به موضوع این مقاله بسیار مرتبط خواهد بود.

۱) تحلیل انقلاب ایران بر اساس نظریه مارکسیستی یا استبداد ایرانی: با توجه وقوع انقلاب ایران در دوره جنگ سرد و نیز حضور یک دولت سلطنتی در ایران به عنوان مجری اصلی طرح‌های توسعه متأثر از بلوک غرب، همواره تحلیل‌هایی متعددی درباره علت اقتصادی یا سیاسی وقوع انقلاب ایران وجود داشته است. در بخشی از این تحلیل‌ها، عدم رعایت اقتضائات نظام سرمایه‌داری همچون نظام مالیاتی توسط دربار، تأمین هزینه‌های توسعه سرمایه‌داری با بهره‌گیری از رانت فروش نفت پس از کودتای ۱۳۳۲ و نیز ساختار سیاسی سلطنتی پهلوی که عملاً منجر به عدم ارتباط پویای دولت و ملت می‌شد (مخصوصاً در ذیل الگوی استبداد ایرانی)، به عنوان مهمترین عواملی معرفی می‌شوند که با وقوع بحران نفتی ۱۹۷۳ منجر به اعتراض عمومی و وقوع انقلاب اسلامی گردید. با اجرای برنامه‌های عمرانی، تقریباً در تمام شاخص‌های آموزشی، صنعتی، عمرانی، نظامی، شهری و نظایر آنها رشد قابل توجهی رقم می‌خورد (بنگرید به: میرعباسی، ۱۴۰۰: ۱۹۸-۲۰۵ و فقیهی، ۱۴۰۰: ۲۹-۳۰ و ۵۵-۶۰)، تا حدی که شاه معتقد بود تا سال ۲۰۰۰ میلادی، ایران از کشورهایی نظیر سوئد نیز پیشی می‌گیرد (فقیهی، ۱۴۰۰: ۱۲). با این حال وابستگی این پیشرفت‌ها به درآمد بادآورده نفتی و وارداتی بودن آنها، باعث شد تا در سال ۱۳۵۵، بروکراسی دولتی همراه با فساد گسترده‌ای در کشور شکل گرفته باشد که به دلیل ماهیت سلطنتی دربار پهلوی به شدت وابسته به دربار و تهی از روند دموکراتیک بود (فوران، ۱۳۸۰: ۴۸۷، مصلی‌نژاد، ۱۳۹۳: ۱۴۹، هالیدی، ۱۳۵۸: ۱۹۲، استمیل، ۱۳۸۷: ۱۹، کاتوزیان، ۱۳۹۰: ۲۰۰) و دوم، وابسته بودن این روند توسعه به درآمد نفتی، باعث شد تا با وقوع بحران نفتی ۱۹۷۳ و کاهش قیمت جهانی نفت، دولت پهلوی تاب و توان مواجهه با مشکلات را نداشته باشد

(کدی، ۱۹۸۸: ۳۰۶، آبراهامیان، ۱۳۷۶: ۲۰۵، اشرف، ۱۳۵۹: ۲۷، کارشناس، ۱۳۸۲: ۱۴۵). در این دست تحلیل‌ها، اصل فرایند توسعه سرمایه‌داری در ایران، ضروری بوده و نقصان و ضعف در اجرای آن در ایران، اسباب وقوع انقلاب را فراهم کرده است.

۲) ناسازگاری توسعه سرمایه‌داری با بافت تاریخی - هویتی جامعه ایران: صاحبان این دست تحلیل‌ها معتقدند اجرای برنامه‌های عمرانی در ایران در دوره پهلوی، متأثر از نظریات توسعه سرمایه‌داری است که عمدتاً در جریان جنگ سرد و البته در استمرار تحولات قرن هجده و نوزده در غرب، به منظور جلوگیری از گسترش ایده‌های کمونیستی در جهان سوم صورت‌بندی شده‌اند.^۱ از این منظر، رویکردهای انتقادی نسبت به این نظریات و برنامه‌های ذیل آنها را یا در ذیل الگوی استعماری تحلیل می‌کنند (هتته، ۱۹۹۵: ۳۶ و ۶۸؛ هیرشمن، ۱۹۸۱) و یا آن را منتهی به وابستگی بیشتر کشورهای جهان سوم به بلوک غرب تحلیل کرده و این نظریات را نظریات وابستگی یا بعضاً نابرابری می‌دانند.^۲ بر اساس نسخه ایرانی از این دست تحلیل‌ها، هر چند عوامل تحلیل‌های دسته اول نفی نمی‌شود، علت اصلی وقوع انقلاب اسلامی در نسبت با جریان توسعه سرمایه‌داری دوره پهلوی به بعد، ناسازگاری بافت هویتی - تاریخی جامعه ایران با فلسفه تاریخی است که توسعه سرمایه‌داری بلوک غرب بر آن استوار شده است. در این دست تحلیل‌ها، نظریات توسعه سرمایه‌داری در نیمه دوم قرن بیستم، به این دلیل توسط بلوک غرب برای کشورهای جهان سوم در دستور کار قرار گرفت که بتواند مانع تحقق وقوع انقلاب‌های کمونیستی متأثر از

۱. بخشی از این نظریات را ستاری (۱۳۹۶) اینطور دسته‌بندی کرده است: نظریات توسعه اقتصادی از روستو و شومپتر (با ایده اقتصاد بازار و صنعتی شدن)، نظریات نوسازی اجتماعی از پارسونز، هوزلیتز، لوی، آیزنشتاد، مور، اسملسر (با ایده آموزش، جمعیت، شهرنشینی، تحرک اجتماعی بالا، ملت‌سازی)، نظریات توسعه سیاسی از بایندر و همکاران (با ایده دموکراسی، مشارکت پلورال، نظام چندحزبی، سیاست رقابتی، توسعه نهادهای دموکراتیک) و نظریات نوسازی روان‌شناختی از مک‌کللند، راجرز، هیگن (با ایده میل به پیشرفت، دوری از سنت‌ها و ...). (ستاری، ۱۳۹۶: ۱۵-۱۸).

۲. نظریات توسعه‌نیافتگی و توسعه نابرابری از گوندر فرانک و سمیرامین، نظریات ناظر به نقد یونیرسالیسم و تعمیم‌یافتگی توسعه و توجه به خاص‌بودگی فرهنگی جوامع از هولت، ترنر، کیلمن، کلمنت داد، میلز، دیوب، بنوری، نظریه نقد توسعه ناهمگون از بری بلوستون، نظریه نقد توسعه از منظر ملی از الیو خاگواریه، نظریه نقد انحصار سرمایه‌داری بین‌المللی از پل باران، پل سوئیزی، هری مگ‌داف و نظریه وابستگی و نووابستگی از اسوالدو سونکل، دوس سانتوس از جمله این نظریات هستند (ستاری، ۱۳۹۵: ۱۶ و ۱۷ و ازکیا، مصطفی و غفاری، غلامرضا، ۱۳۸۶: ۲۴۶-۲۹۴).

بلوک شرق در این کشورها شود (کچویان، ۱۳۸۴: ۱۱۰). در این تحلیل‌ها، وقوع انقلاب اسلامی برخلاف تحلیل افرادی نظیر والت روستو، دقیقاً در مقطع خیز توسعه شکل گرفت که قصد داشتند همان الگوی گذر از نظم فئودالی به سرمایه‌داری را از خلال اصلاحات ارضی و اجرای طرح‌های سرمایه‌داری اجرا کنند (خرمشاد، ۱۳۹۶: ۱۵۰)؛ بنابراین خواه از منظر استعمار و خواه از منظر وابستگی و خواه از دیدگاه ناسازگاری هویتی - تاریخی بنگریم، نظریات توسعه سرمایه‌داری دوره پهلوی در ایران، با مقاومت مردم ایران مواجه شده و منجر به وقوع انقلاب اسلامی گردیده است.

بررسی تحولات بروکراسی در دوره پهلوی

ارتباط برنامه‌های عمرانی (توسعه) در دوره پهلوی با تحولات مربوط به سازمان بروکراتیک، صرفاً برگرفته از یک تحلیل نظری نیست، بلکه با بررسی مؤلفه‌ها و اجزاء برنامه‌های عمرانی، می‌توان میزان گسترش بروکراسی در این دوره را مورد توجه قرار داد. به موازات رشد شاخصه‌های توسعه سرمایه‌داری ناشی از اجرای برنامه‌های توسعه که پیش‌تر اشاره شد، در این دوره شاهد رشد شاخص‌های بروکراتیک نیز هستیم. اگرچه اولین قانون استخدام کشوری ایران در ۱۳۰۱ تصویب شد (فقیهی، ۱۴۰۰: ۶۸)، اما مسئول شکست دو برنامه توسعه اول عمرانی کشور (۱۳۲۷-۱۳۳۳ و ۱۳۳۴-۱۳۴۰)، ناکارآمدی خدمات دولتی معرفی شد و بنابراین اصلاح نظام اداری و بروکراسی، در برنامه سوم توسعه (۱۳۴۱-۱۳۴۵) (فقیهی، ۱۴۰۰: ۶۹) که با انقلاب سفید و منازعات دربار پهلوی با نیروهای چپ و نیروهای مذهبی به رهبری امام خمینی (ره) آغاز گردید، در دستور کار قرار گرفت و دوازدهمین اصل انقلاب سفید، انقلاب اداری و آموزشی تعریف شد (فقیهی، ۱۴۰۰: ۶۷). برنامه‌های مربوط به خدمات اداری، ۱۴ درصد برنامه‌های عمرانی سوم را تشکیل می‌داد تا در نهایت، در سال ۱۳۴۵، «سازمان امور اداری و استخدامی کشور» تأسیس شد. (فقیهی، ۱۴۰۰: ۷۲).

این روند رو به تزاید، با ابلاغ «انقلاب اداری و آموزشی» در ۱۳۴۶ توسط شاه ادامه یافت و به نحوی بود که تا پیش از ۱۳۴۷، واحد استخدام سازمان امور استخدامی کشور، مستقیم یا با واسطه توانست ۳۲۲ آزمون ورودی در مناطق مختلف کشور برگزار کند و بیش از ۷۰ هزار داوطلب را استخدام نماید. (فقیهی، ۱۴۰۰: ۷۶). این گسترش بروکراسی با حمایت گروه‌های مشاور خارجی و حمایت سازمان ملل انجام می‌شد و این سازمان به درخواست دولت ایران، اقدام به ایجاد یک

سازمان ویژه نمود که باید ظرف مدت پنج سال راه اندازی می شد (فقیهی، ۱۴۰۰: ۷۷). به طور کلی، در قلمرو بروکراسی نیز همچون پروژه های عمرانی و سرمایه داری، حداقل تا اوایل دهه پنجاه شاهد رشد فرایندهای مربوط به این برنامه ها هستیم.

با این حال مطابق دو تحلیل مذکور از علت وقوع انقلاب اسلامی ایران، علی رغم پیشرفت های روبه جلوی برنامه های توسعه، در تحلیل روند گسترش بروکراسی نیز می توان دودسته تحلیل ارائه داد. در دسته اول، شکست سیاست های بروکراتیک دولت پهلوی، ناشی از «استفاده نادرست از بروکراسی» معرفی می شود (فقیهی، ۱۴۰۰: ۸۱-۱۱۹)، اما در دسته دوم که موضوع اصلی این مقاله است، علاوه بر دلایل ناظر به استفاده نادرست از بروکراسی، به زعم می توان ظهور جهادسازندگی با منطبق سازمانی متفاوتی از بروکراسی غربی را هم راستا با تحلیل های دسته دوم درباره علت ناکامی برنامه های توسعه، نشانگر عدم سازگاری بروکراسی با هویت اسلامی-ایرانی جامعه ایران دانست. در اینجا با استناد به (فقیهی، ۱۴۰۰: ۸۱-۱۱۹ و میرعباسی، ۱۴۰۰: ۲۱۴-۲۱۸)، به ۵ دلیل در تحلیل دسته اول به عنوان دلایل ناکامی اجرای بروکراسی در ایران اشاره شده است.

۱) فرایند تصمیم گیری شدیداً متمرکز در دربار ۸۴ که عملاً نافی پیوند میان بروکراسی و دموکراسی بود که وبر نیز به عنوان یکی از ویژگی های بروکراسی مدرن به آن اشاره کرده بود. فقدان دموکراسی، باعث شد که بروکراسی اداری در ایران، نتواند حتی به اندازه جوامع غربی عملکرد مناسبی داشته باشد (فقیهی، ۱۴۰۰: ۹۰-۹۴).

۲) سیاست رژیم در جذب مخالفان در سطوح راهبردی سلسله مراتب سازمانی با دادن مناصب بروکراتیک باهدف کنترل اندازه و ترکیب نخبگان سیاسی از طریق مشارکت کذاب بود (فقیهی، ۱۴۰۰: ۹۵). تا پیش از نخست وزیری هویدا که عمدتاً دوره اجرای برنامه های سوم تا ششم را شامل می شد، این تغییرات بیشتر در منصب نخست وزیری بود، اما خود کابینه هویدا به شدت دچار تغییرات زودگذر و فاقد بهره مندی از تخصص های لازم بود. در این دوره ۱۳ ساله، ۵۶ نقل و انتقال در سطح وزرا بوده ایم که میانگین درصد ماندگاری وزرا، تقریباً ۵۰ درصد است (ایران المناک، ۱۹۷۵: ۱۰۷). تنها در یک نمونه، انتقال ولیان به جای گودرزی، جایگزینی روحانی با وحیدی و انتقال روحانی به وزارت کشاورزی، انتصاب سام به وزارت کشور، هدایتی، معاون اجرایی نخست وزیر، رهنما به وزارت اطلاعات و

خلع‌تبری به وزارت خارجه در سال ۱۳۵۰، نشانگر عدم تخصص‌گرایی در نقل و انتقالات وزرا است (ایران المناک، ۱۹۷۵: ۱۳۷).

۳) اقدام دولت برای ایجاد اشتغال در سطوح میانی و پایینی سازمان: یکی دیگر از نشانه‌های استفاده نادرست از بروکراسی در ایران، استفاده دربار پهلوی و شخص شاه از مناصب سازمانی کاهش نارضایتی‌های اجتماعی بود. درآمد نفت این امکان را به شاه داده بود که برای کاهش فشارهای سیاسی و اقتصادی، بخش قابل توجهی از افراد جامعه را بدون توجه به تخصص‌هایشان در مناصب مختلف سازمانی منصوب کند، به نحوی که از ۱۳۲۵ تا ۱۳۵۵، تعداد کارکنان دولت از ۲۷۷۴۸ به ۱۴۲۰۴۷ نفر یعنی افزایش بیش از ۱۵۰ درصدی رسید. (فقیهی، ۱۴۰۰: ۴۵).

۴) افزایش فساد اداری و اقتصادی و شکنندگی بروکراسی: عوامل فوق باعث شد تا در دوره پهلوی، فساد گسترده اداری و اقتصادی شامل اشکال اختلاس، رشوه و نظایر آنها تبدیل به امری رایج شود. این فساد مخصوصاً به دلیل تعارض با آموزه‌ها و احکام اسلامی، اغلب مورد اعتراض فعالین روحانی و مذهبی قرار می‌گرفت که در نهایت نقش بسیاری مهمی نیز در وقوع انقلاب ایران بازی کردند (میرعباسی، ۱۴۰۰: ۲۱۷).

۵) وابستگی بروکراسی به درآمد نفتی و تأثیر از شوک نفتی ۱۹۷۳: در میان عوامل فوق، وابستگی بروکراسی اداری پهلوی، هم در تکوین و هم در گسترش سریع خودش به درآمد نفتی بسیار بالای این دوره، باعث شد تا این سازمان بروکراتیک عظیم نتواند به لحاظ اقتصادی خود را تامین کند و با وقوع شوک نفتی ۱۹۷۳، این بنای عظیم فرو پاشد (فقیهی، ۱۴۰۰: ۱۲۹؛ میرعباسی، ۱۴۰۰: ۲۱۸).

یافته‌های میدانی پژوهش

مؤلفه‌های جهاد سازندگی

چنان‌که اشاره شد، به‌زعم ما جهاد سازندگی در بستر تاریخی شکل گرفت که بروکراسی مدرن غربی در ذیل برنامه‌های عمرانی (توسعه) در ایران فراگیر شده بود. از این منظر می‌توان

مؤلفه‌های جهاد سازندگی را در کشاکش با مؤلفه‌های بروکراسی غربی و صورت‌فراگیر شده آن در ایران مورد توجه قرار داد. به لحاظ روش شناختی، این مؤلفه‌ها با تعدیلی که در نظریه داده‌بنیاد بر اساس نظریه اجتماعی انقلاب اسلامی به روایت شهید مطهری (ره) انجام داده‌ایم از خلال ۳۰ مصاحبه با مدیران، مسئولان و فعالین جهاد سازندگی^۱، در حدود ۷۰ کد در مرحله کدگذاری باز، ۳۳ کد در کدگذاری محوری و ۱۹ کد، در مرحله کدگذاری انتخابی احصاء کرده که مرحله اخیر در جدول زیر ذکر شده است. این مؤلفه‌ها نه تنها پاسخگوی مؤلفه‌های بروکراسی مدرن غربی هستند، بلکه مؤلفه‌های دیگری را نیز مطرح کرده است.

جدول ۱. کلیه کدهای مستخرج از مصاحبه‌ها در نمایی کلی

کدگذاری باز (۷۰ کد)	کدگذاری محوری (۳۳ کد)
تبعیت از فرمان حضرت امام (ره) / ورود داوطلبانه به جهاد	داوطلبانه بودن ورود به جهاد
ازدواج در درون جهاد/ پذیرش اقتضائات زندگی جهادی	زندگی خانوادگی جهادی
نقد بروکراسی دوره پهلوی/ نیاز حداقلی به بروکراسی اداری/ تخریب روحیه جهادی با بروکراسی وزارتی	ناسازگاری با بروکراسی مدرن
با وزارتی‌شان، فاکتورسازی گسترش یافت/ قبل از وزارتی‌شان کارها بر اساس اعتماد پیش می‌رفت	عدم نیاز به فاکتورسازی
پیوند نظر و عمل در حین آموزش/ ارتقای سطح کارایی فرد در حین عمل	آموزش در حین کار
سنجش توانایی فرد بر اساس عملکرد در میدان عمل/ مدرک افراد ملاک استخدام در جهاد نبود	عدم نیاز به مدارک دانشگاهی
وجود حداقل سه سطح از شوراهای در جهاد	انواع شوراهای کاری

۱. این ۳۰ مصاحبه، توسط مصاحبه‌کنندگان مختلف با حمایت دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی صورت گرفته و متن آن، در اختیار نویسنده قرار گرفته است. در بخش منابع تنها به مصاحبه‌هایی ارجاع داده که در کدگذاری مرحله سوم (کدگذاری انتخابی) ذکر شده‌اند، اما فهرست ۲۶ مصاحبه‌شونده به این شرح است: مسعود عابدزاده، محمد ادیب نیشابوری، عباس افچنگی، عبدالرضا افشار، حسین احراری، مجید عاکف، محمدرضا آخوندزاده، مجتبی علیایی، محسن علیشاهی، مهندس عطارباشی، علی ازغندی، محمد بابایی، سیدهاشم بنی هاشم، محمدجواد برادران افتخاری، علی بیاتی، مرتضی بهجت‌انگیز، جواد بیک، منیر کبری اسحاقی، مهدی دامرودی، مهندس داوریان، عبدالله دهقانی، اکبر درخشان، محمداسماعیل نیا، علی رجبی، محمدعلی افتخاری، افسانه قنبری‌راد. همچنین ۴ مصاحبه از این مجموعه در قالب کتاب منتشر شده که در متن و منابع، به نسخه کتاب ارجاع شده است.

جدول ۱. کلیه کدهای مستخرج از مصاحبه‌ها در نمایی کلی

کدگذاری باز (۷۰ کد)	کدگذاری محوری (۳۳ کد)
بدون شورا، هیچ تصمیم مهمی در جهاد گرفته نمی‌شد	شورایی بودن فعالیت جهاد سازندگی
یکی از مؤلفه‌های اعضای شورای مرکزی، تقوای کاری و دینی آنها بود	تقوای اعضای شورا
شهید بهشتی (ره) نماینده ولی فقیه در جهاد بود/ نماینده امام (ره) در جلسات شورای مرکزی، ملاک اعتبار و حجت شرعی کارها بود.	حضور نماینده امام (ره) در جهاد
تقید به حلال و حرام اقتصادی/ رعایت حقوق بیت‌المال/ رعایت امور شرعی همچون نماز، محرم و نامحرم و...	تطبیق با احکام شریعت
آموزش قرآن برای تقویت اعتقادات دینی/ انجام کارها برای رضای خدا/ ناراحتی اعضای جهاد از عدم انجام مسئولیت الهی و شرعی به قدر توان علی‌رغم کار فراوان	باور به اعتقادات اسلامی
سلسله‌مراتب فرد، واحد، کمیته، شورا	تشکیلات ساختاری جهاد
بخش‌های حاشیه‌ای همیشه از مرکز طلبکار بودند/ بخش‌های مرکزی بایستی نسبت به نیازهای حاشیه پاسخگو می‌بودند	اهمیت بخش‌های حاشیه‌ای نسبت به مرکز
تشخیص نیازها بر اساس منطقه بومی و نه بخش‌بندی‌های مرکزی/ توجه به نیازهای منطقه‌ای	تقدم ساختار منطقه‌ای به بخشی
محور فعالیت‌ها در بخش پایین جهاد بود/ اطلاعات از پایین به بالا داده می‌شد/ بخش‌های بالایی جهاد صرفاً کمک‌کننده به بخش‌های پایین بودند	ساختار پایین به بالا
بومی بودن اعضای جهاد/ تطبیق فعالیت‌های جهاد با نیازهای بومی/ تبعیت بخش‌های مرکزی از اقتضانات بومی	بومی بودن تشکیلات
جهاد فقط به فعالیت‌های مردمی کمک می‌کرد/ تلاش برای فعال‌سازی خود مردم/ عدم دخالت در فعالیت‌های خودجوش مردمی/ جهاد به مردم امکانات می‌داد و کارها را خود مردم می‌کردند	واگذاری کار به مردم
علاقه مردم به اعضای جهاد به دلیل روحیه مردمی/ جهاد بخشی از خود مردم منطقه بود/ مردم به اعضای جهاد اعتماد کامل داشتند	نزدیکی روحی با مردم
میزان بهره‌گیری از ماشین‌آلات متناسب با میدان عملکرد بود/ تعمیر و ساخت ماشین‌آلات و ابزارهای فنی در خود میدان عمل انجام می‌شد/ پیشرفت فنی و ماشینی وابسته به نیازهای بومی بود نه دستور مرکز نشینان	تناسب بهره‌گیری از ماشین‌آلات با نیازهای زیست‌بوم

جدول ۱. کلیه کدهای مستخرج از مصاحبه‌ها در نمایی کلی

کدگذاری باز (۷۰ کد)	کدگذاری محوری (۳۳ کد)
نزدیکی حقوق سلسله مراتب جهاد/ وابستگی افزایش حقوق به نیازهای طبیعی افراد نظیر تعداد فرزند	حقوق و دستمزدهای برابر
حقوق پایین تر جهاد از دیگر سازمان‌ها	حقوق و دستمزدهای پایین تر از دیگر مراکز
دادن اطلاعات بخش‌های مختلف جهاد/ دادن مشاوره‌های بدون توقع به بخش‌های مختلف جهاد/ دادن اطلاعات و مشاوره به دیگر سازمان‌های کشور	شفافیت و عدم انحصار اطلاعات
آموزش اعتقادات و احکام شرعی اعضاء جهاد/ ایجاد رابطه میان اعضاء جهاد با بدنه مردم/ مراقبت از اجرای احکام شرعی در جهاد/ حذف کمیته فرهنگی آسیب جبران ناپذیری به جهاد وارد ساخت	کمیته فرهنگی و کارکرد آن
بازگشت مقررات اداری/ ریاست از بالا به پایین/ تغییر در روند آموزش در حین کار/ دور شدن از نیازهای مردمی و تعیین نیازها در مرکز / تفکیک امور کشاورزی میان وزارت جهاد سازندگی و وزارت کشاورزی/ شروع فسادهای متداول و فاکتورسازی/ بحران روحی نیروهای جهاد/ از بین رفتن سبک مدیریت منطقه‌های و بازگشت مدیریت بخشی	تبعات وزارتی شدن جهاد
اموال جهاد، امانت الهی بود/ نسبت به اندک اسراف یا هدررفت منابع و اموال حساسیت وجود داشت/ مهم ترین منبع درآمد و امکانات جهاد، مردم بودند/ جهاد کمترین کمک‌ها را از دولت دریافت می‌کرد/ به شهید رجایی گفتم اگر دولت می‌خواهد کمک کند، از طریق کمک‌های مردمی به جهاد کمک کند.	تلقی اموال به مثابه بیت‌المال و امانت الهی و عدم وابستگی به اقتصاد پولی
افراد را در یک فرایند تدریجی می‌شناختیم و بعد به کار می‌گرفتم	استخدام بر اساس ارزیابی شخصیتی
استخدام رسمی در جهاد پس از موفقیت فرد در فعالیت اولیه در بخشی از جهاد صورت می‌گرفت	آزمون استخدام در حین کار
فرد با نشان دادن توانایی‌اش در هر حوزه‌ای می‌توانست کار جهادی را شروع کند	استخدام بر اساس توانایی و استعداد
در جهاد، رئیس نداشتیم، بلکه مسئول داشتیم تا کارها بر اساس پذیرش مسئولیت پیش برود.	پذیرش مسئولیت به جای ریاست

جدول ۱. کلیه کدهای مستخرج از مصاحبه‌ها در نمایی کلی

کدگذاری باز (۷۰ کد)	کدگذاری محوری (۳۳ کد)
مسئول بالادست مسئول آزمون و خطای مسئول پایین دست بود تا او را پرورش دهد	پذیرش مسئولیت خطای زیردست توسط مسئول بالادست
در جهاد، انسان‌ها موضوعیت داشتند نه قوانین سازمانی	انسان‌مداری به جای سازمان‌مداری
تعامل اعضای جهاد با یکدیگر بر اساس اعتماد/اعتماد متقابل مردم و اعضای جهاد به یکدیگر	مسئله اعتماد متقابل

جدول ۲. یافته‌های تحقیق: مقایسه مؤلفه‌های بروکراسی و جهادسازندگی

مؤلفه‌های بروکراسی غربی از نظر وبر و مارکس	مؤلفه‌های جهاد سازندگی (کدگذاری انتخابی، ۱۹ کد)
۱ تبدیل شدن مقام اداری به یک شغل و حرفه تخصصی تمام وقت (وبر، ۱۳۹۹: ۲۲۵)	تلقی فعالیت در جهاد به مثابه فعالیت داوطلبانه (عظیمی، ۱۳۹۹: ۲۳؛ داوریان، ۱۳۹۹/۶/۲؛ رجبی، ۱۳۹۹/۹/۱۶).
۲ وجود قوانین و قواعد عینیت یافته و فارغ از ارزش (وبر، ۱۳۹۹: ۲۲۵)	گره خوردن فعالیت در جهاد باتقوا، اعتماد و اعتقادات و احکام شرعی (عظیمی، ۱۳۹۹: ۳۵، ۷۱ و ۷۵؛ شمس‌آبادی، ۱۳۹۷: ۱۴۰؛ بنی‌هاشم، ۱۳۹۹/۳/۲۷؛ افسانه‌قنبری‌راد، ۱۳۹۹/۱۲/۵).
۳ آموزش تخصصی و صدور گواهی‌نامه‌ها و امتحانات تخصصی (وبر، ۱۳۹۹: ۲۲۷)	آموزش در حین کار (عظیمی، ۱۳۹۹: ۲۷؛ جزایری، ۱۴۰۱: ۳۵؛ ادیب‌نیشابوری، ۱۳۹۶/۳/۳۰؛ اکبری، ۱۳۹۶/۱۲/۷).
۴ اختصاص حقوق مالی ثابت به کارمندان به حسب سلسله‌مراتب اداری و منزلت (وبر، ۱۳۹۹: ۲۳۳)	حقوق مالی وابسته به نیاز افراد، پایین‌تر از دیگر نهادها و تقریباً یکسان برای همه مناصب جهاد (عظیمی، ۱۳۹۹: ۷۲ و ۷۳، تابش، ۱۳۹۶/۳/۱۳)
۵ وابستگی به اقتصاد پولی (وبر، ۱۳۹۹: ۲۳۴)	وابسته به کمک‌های مالی و اقتصادی مردمی و استقلال نسبی از بودجه‌های دولتی (عظیمی، ۱۳۹۹: ۶۵؛ جزایری، ۱۴۰۱: ۴۲)

جدول ۲. یافته‌های تحقیق: مقایسه مؤلفه‌های بروکراسی و جهادسازندگی

مؤلفه‌های بروکراسی غربی از نظر ویر و مارکس	مؤلفه‌های جهاد سازندگی (کدگذاری انتخابی، ۱۹ کد)
۶ خود استمرار بخشی سازمان به واسطه گره خوردن منافع کارمندان با بقای سازمان (ویر، ۱۳۹۹: ۲۳۹ و ۲۶۰)	فعالیت داوطلبانه مبتنی بر معنویت، تقوا و اعتماد، نیروی محرکه فعالیت در جهاد سازندگی (عظیمی، ۱۳۹۹: ۴۷؛ دشتی، ۱۳۹۹: ۱۲۸؛ شمس آبادی، ۱۳۹۹: ۱۴۰؛ بنی هاشم، ۱۳۹۹/۳/۲۷؛ قنبری راد، ۱۳۹۹/۱۲/۵).
۷ وابستگی پیشرفت سازمان به پیشرفت فنی و فن‌سالاری (ویر، ۱۳۹۹: ۲۴۵)	بهره‌گیری از امکانات فنی متناسب با اقتضائات بومی و محلی و غلبه منطق جهادی بر منطق تکنولوژی ماشینی (عظیمی، ۱۳۹۹: ۶۸؛ شمس آبادی، ۱۳۹۹: ۱۷۶).
۸ رابطه دیالکتیکی بروکراسی و دموکراسی (ویر، ۱۳۹۹: ۲۴۹، ۲۵۵، ۲۵۷ و ۲۷۵)	حاکمیت منطق شورایی و حضور نماینده ولی فقیه به مثابه نمود مردم‌سالاری دینی (عظیمی، ۱۳۹۹: ۸۰؛ عابدزاده، ۱۳۹۵/۵/۱۲؛ علیایی، ۱۳۹۹/۸/۲۰).
۹ مخفی سازی اسرار سازمانی توسط صاحب منصبان و ذی‌نفعان (ویر، ۱۳۹۹: ۲۶۵)	دادن اطلاعات کامل به یکدیگر و دادن مشاوره صادقانه (عظیمی، ۱۳۹۹: ۸۶)
۱۰ وابستگی به قدرت دولتی و سلطه عقلانی و قوانین فن‌سالارانه (ویر، ۱۳۹۹: ۲۴۷)	عدم بهره‌گیری از قدرت دولتی و بومی و منطقه‌ای بودن نیروهای جهاد (عظیمی، ۱۳۹۹: ۵۳-۵۴؛ ادیب نیشابوری، ۱۳۹۶/۴/۱۸؛ حسین اکبری، ۱۳۹۴/۱۲/۱۷)
۱۱ عقلانیت ابزاری	تقید عقلانیت حاکم بر جهاد سازندگی به اعتقادات اسلامی و انقلابی دشتی، ۱۳۹۹: ۱۲۷؛ عظیمی، ۱۳۹۹: ۱۲۰؛
۱۲ از خودبیگانگی	تعلق خاطر داشتن اعضاء جهاد به جهاد و غلبه فطرت انسانی بر منطق سازمانی و پذیرش مسئولیت به جای ریاست (عظیمی، ۱۳۹۹: ۶۵؛ شمس آبادی، ۱۳۹۹: ۱۷۶؛ جزایری، ۱۴۰۱: ۳۲).
۱۳ ایدئولوژیک بودن بروکراسی	روابط سازمانی پایین به بالا و مبتنی بر مشارکت عموم مردم (عظیمی، ۱۳۹۹: ۱۱۰؛ بنی هاشم، ۱۳۹۹/۳/۲۷).
مؤلفه‌های بروکراسی در ایران	مؤلفه‌های جهاد سازندگی
۱۴ وابستگی بروکراسی به دربار	بهره‌مندی از سطوح مختلف شوراهاى کارى و منطقه‌ای بودن

جدول ۲. یافته‌های تحقیق: مقایسه مؤلفه‌های بروکراسی و جهادسازندگی

مؤلفه‌های بروکراسی غربی از نظر ویر و مارکس	مؤلفه‌های جهاد سازندگی (کدگذاری انتخابی، ۱۹ کد)
پهلوی و شخص محمدرضا شاه	فعالیت جهاد در مقابل بخشی بودن سازمان‌های بروکراتیک (عظیمی، ۱۳۹۹: ۱۱۶؛ حسین اکبری، ۱۳۹۴/۱۲/۱۷).
جذب مخالفان از طریق واگذاری بی‌قاعدهٔ مناصب سازمانی	به‌کارگیری اعضای جهاد از طریق گزینش در حین کار مبتنی بر تخصص وابسته و اعتماد به ویژگی‌های شخصیتی (دشتی، ۱۳۹۹: ۶۴؛ جزایری، ۱۴۰۱: ۲۰).
کاهش نارضایتی عمومی از طریق استخدام عمومی	ارتقای اعتماد و مشارکت عمومی مردم از طریق واگذاری فعالیت‌های جهاد به آنها (عظیمی، ۱۳۹۹: ۶۵ و ۸۹؛ جزایری، ۱۴۰۱: ۱۵).
فساد گسترده و شکنندگی بروکراسی	تلقی اموال و مناصب جهاد سازندگی به‌مثابه امانت الهی و رعایت حدود بیت‌المال (دشتی، ۱۳۹۹: ۵۵؛ تابش، ۱۳۹۹/۳/۳۱).
وابستگی بروکراسی به درآمد نفتی و تأثیر از شوک نفتی ۱۹۷۳	وابستگی به کمک‌های مالی مردمی و فعالیت مطابق با نیازهای بومی مردم (عظیمی، ۱۳۹۹: ۱۱۲؛ جزایری، ۱۴۰۱: ۴۷).
-	تأثیر فرهنگ جهادی در شیوهٔ زندگی خانوادگی و مشارکت مرد - زن جهادی در جهاد سازندگی (حسینیان، ۱۳۹۰/۲/۲۵، منیر کبری اسحاقی ۱۳۹۹/۱۲/۳ / افسانه قنبری راد ۱۳۹۹/۱۲/۵).

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

مهم‌ترین فرضیهٔ این مقاله این بود که جهاد سازندگی، به‌عنوان یک شبه سازمان که پس از انقلاب اسلامی تشکیل شد، در واکنش به سازمان بروکراتیک دورهٔ پهلوی در ایران شکل گرفته است. بی‌توجهی به این سطح از تحلیل در توضیح منطق سازمانی جهاد سازندگی باعث شده است در یک سیر تاریخی، جهاد سازندگی در دو مرحله در سال‌های ۱۳۶۲ و ۱۳۷۹ به وزارت جهاد کشاورزی تبدیل شود. از این منظر بعضی تبدیل جهاد سازندگی به وزارت جهاد سازندگی را در سال ۱۳۶۲، دورهٔ اوج آن تلقی می‌کنند (قایدعلی، ۱۳۹۹)، اما بعضی دیگر از مدیران جهاد، با نظر به منطق سازمانی خاص جهاد سازندگی، این اتفاق را سرآغاز افول جهاد سازندگی می‌دانند

(عظیمی، ۱۳۹۹: ۱۰۹). از این منظر کشاکش میان منطق بروکراتیک حاکم بر وزارت‌خانه‌ها و منطق حاکم بر جهاد سازندگی، همواره محل بحث بوده است و حتی شهید بهشتی (ره) معتقد بوده است که پس از انقلاب اسلامی، منطق جهاد سازندگی بایستی بتواند منطق حاکم بر وزارت‌خانه‌ها را نیز تغییر دهد (عظیمی، ۱۳۹۹: ۱۰۷).

با این حال تبدیل جهاد سازندگی به وزارت‌خانه و تغییر منطق سازمانی آن، برخاسته از انحصار جهاد سازندگی به آبادانی روستاها و رونق کشاورزی بوده و به همین دلیل، در نهایت در وزارت جهاد کشاورزی ادغام گردیده است. به نظر می‌رسد این انحصار که در تغایر کامل با فعالیت گسترده جهاد سازندگی در دفاع مقدس نیز بوده است، ناشی از عدم توجه به سطح نظریه اجتماعی و مبانی فلسفی ایده حاکم بر جهاد سازندگی باشد. بر اساس این دو مؤلفه تحلیلی، به نظر می‌رسد برای احیاء منطق حاکم بر جهاد سازندگی که بعضاً در سال‌های اخیر با تأکیدات مقام معظم رهبری مبنی بر فعالیت جهادی مورد توجه قرار گرفته است (بیانات رهبری)، می‌توان به موضوعات زیر به مثابه موضوعاتی برای پژوهش یا اقدامات عملی توجه نمود:

۱. احیاء منطق سازمانی جهاد سازندگی به عنوان بدیلی برای منطق بروکراسی غربی: در این مقاله سعی شد تا به عنوان یک سرآغاز، کشاکش مؤلفه‌های منطق سازمانی جهاد سازندگی را با مؤلفه‌های بروکراسی غربی بررسی کنیم. با این حال بسیار از نهادها و سازمان‌های فعلی کشور از جمله شهرداری‌ها، وزارت‌خانه‌ها، مدارس و دانشگاه‌ها و حتی بسیاری از شرکت‌های خصوصی در شرایط پس از انقلاب، همچنان متأثر از منطق سازمانی نهادهای مشابه قبل از انقلاب یا الگوهای ارائه شده در دهه‌های اخیر در جهان غرب هستند. از این منظر می‌توان چالش مذکور در این مقاله را به طور دقیق‌تر درباره هر یک از این نهادها بسط داده و نتایج آن را مورد بررسی قرار داد.

۲. بررسی تشابه منطق سازمانی جهاد سازندگی و دیگر نهادهای خاص انقلاب اسلامی: در حین تشکیل جهاد سازندگی، متأثر از نیازهای انقلاب اسلامی مخصوصاً در دهه اول، نهادهای مشابهی با منطق متمایز از منطق سازمانی بروکراتیک غربی، از جمله بسیج، کمیته انقلاب اسلامی، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی و نظایر آنها شکل گرفت که بعضی از آنها در ادامه به سرنوشت جهاد سازندگی مبتلا شدند و بعضی، منطق درونی خود را تا حدودی

حفظ کرده‌اند. به نظر می‌رسد سطح تحلیل نظریه اجتماعی و مبانی فلسفی، به‌خوبی بتواند منطق سازمانی مشترک این نهادها را در ذیل نظریه اجتماعی انقلاب اسلامی توضیح دهد.

۳. بهره‌گیری از منطق سازمانی جهاد سازندگی برای تحول در سازمان‌های بروکراتیک کشور: اشاره شهید بهشتی (ره) به بسط منطق جهاد سازندگی به دیگر سازمان‌های کشور، یکی از مهم‌ترین اشاراتی است که می‌تواند مبنای بسیاری از مطالعات پژوهشی و نیز اقدامات عینی در جهت احیاء منطق سازمانی جهاد سازندگی قرار گیرد. این اقدامات عینی، مخصوصاً در گام دوم انقلاب اسلامی و درحالی‌که بروکراسی کشور دچار چالش‌های بسیار شده و از سوی دیگر، فرهنگ فعالیت جهادی در قالب اردوهای جهادی یا دیگر فعالیت‌های جهادی در کشور کمابیش وجود دارد، می‌تواند منشأ یک انقلاب بزرگ در قلمرو روابط سازمانی نظام جمهوری اسلامی قرار گیرد.

* این مقاله توسط دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی مورد حمایت مالی و معنوی قرار گرفته و شایسته از آن قدردانی کنم.

منابع

- ادیب نیشابوری، محمود (۱۳۹۶)، **جهاد سازندگی**، مصاحبه‌کننده: احمدیان، مکان مصاحبه: دفتر مجله راه، تاریخ مصاحبه: ۹۶/۳/۳۰.
- ازکیا، مصطفی، غفاری، غلامرضا (۱۳۸۶)، **جامعه‌شناسی توسعه**، تهران: نشر کیهان.
- استمیل، جان، دی (۱۳۸۷)، **درون انقلاب ایران**، ترجمه منوچهر شجاعی، چاپ دوم، تهران: مؤسسه خدماتی فرهنگی رسا.
- اسحاقی، منیرکبری (۱۳۹۹)، **جهاد سازندگی - پشتیبانی جنگ**، مصاحبه‌کننده: فاطمه مهربانی، مکان مصاحبه: مؤسسه مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی مشهد، تاریخ مصاحبه: ۱۳۹۹/۱۲/۳.
- اشرف، احمد (۱۳۵۹)، **موانع تاریخی رشد سرمایه‌داری در ایران**، تهران: انتشارات زمینه.
- ایروانی، محمدجواد (۱۳۷۷)، **نهادگرایی و جهادسازندگی**، تهران: انتشارات وزارت جهادسازندگی.
- آبراهامیان، یرواند (۱۳۷۶) **مقالاتی درباره جامعه‌شناسی سیاسی ایران**، ترجمه سهیلا ترابی، تهران: انتشارات شیرازه.
- بنی‌هاشم، سید هاشم (۱۳۹۹)، **فعالیت‌های جهاد سازندگی**، مصاحبه‌کنندگان: محسن صمدی، آقای عرفانی؛ مکان مصاحبه: دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی؛ تاریخ مصاحبه: ۱۳۹۹/۳/۲۷.
- جزایری، عبدالرحمن (۱۴۰۱)، **رسم جهاد ۲: تجربه‌های کار جمعی در پشتیبانی و مهندسی جنگ جهاد**، تحقیق و تدوین، محمدرضا حسینی و علی مشایخی، تهران: دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی، انتشارات راه‌یار.
- خرمشاد، محمدباقر و موسی نژاد، محمدجواد (۱۳۹۶)، **دولت پهلوی، اصلاحات ارضی و نظریه توسعه روستو، فصلنامه علوم اجتماعی**، سال ۲۶، شماره ۷۶، صص ۱۴۵-۱۷۴.
- دانایی‌فرد، حسن؛ باقری کنی، مصباح‌الهدی؛ حجازی فر، سعید (۱۳۹۴)، **شناسایی مؤلفه‌های سازمان‌های فضیلت محور و جهادی؛ مورد پژوهش: کمیته انقلاب اسلامی و جهاد سازندگی**، نشریه مدیریت اسلامی، شماره ۹۳، صص ۴۵-۷۲.
- داوریان، مهندس (۱۳۹۹)، **تاریخ جهاد سازندگی**، مصاحبه‌کننده: صمدی؛ مکان مصاحبه: دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی، تاریخ مصاحبه: ۱۳۹۹/۶/۲.
- دشتی، سید محمدصادق (۱۳۹۹)، **آفاضاق، روایتی از زندگی جهادگر شهید، سیدمحمدصادق دشتی**، تحقیق و تدوین، محمدرضا حسینی، تهران: دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی، انتشارات راه‌یار.

راحلی، حسین؛ شکوری، علی (۱۳۸۷)، بررسی زمینه‌های حاکمیتی جهاد سازندگی و نقش این زمینه‌ها در دستاوردهای آن از تشکیل تا ادغام، ۱۳۸۰ - ۱۳۵۸، نشریه جغرافیا و برنامه‌ریزی، شماره ۲۶، صص ۹۵-۱۱۶.

رجبی، علی (۱۳۹۹)، بهداشت و درمان در جهاد سازندگی، مصاحبه‌کننده: صمدی، مکان مصاحبه: دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی (حسینیّه هنر)، تاریخ مصاحبه: یکشنبه ۱۳۹۹/۹/۱۶.
روح‌اللهی، مهدی، طباطبائیان، حبیب‌الله؛ منطقی، منوچهر؛ بامداد صوفی، جهانیار (۱۳۹۷)، الگوی شکل‌گیری نوآوری اجتماعی در جهاد سازندگی، نشریه مدیریت اسلامی، شماره ۱۰۳، صص ۹۱-۱۲۰.
ستاری، سجاد (۱۳۹۶)، فراسوی ریاضیات توسعه؛ چرخشی سوی الاهیات توسعه (اولویت متافیزیک توسعه بر فیزیک توسعه)، فصلنامه سیاستگذاری عمومی، دوره ۳، شماره ۲، تابستان ۱۳۹۶، صص ۹-۲۷.
شمس‌آبادی، محمدرضا (۱۳۹۹)، خاکریز؛ دلهره‌های آخرین، زندگی‌نامه جهادگر شهید محمدرضا شمس‌آبادی، تحقیق و تالیف، محمد اصغرزاده، تهران: دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی، انتشارات راه‌یار.
ظهوریان ابوترابی، میثم؛ مرتضوی، سعید؛ لگزریان، محمد؛ فراچی، محمدمهدی (۱۳۹۷)، کشف عوامل مؤثر بر استحاله نهاد جهاد سازندگی: تحلیل شبکه مضامین، نشریه مطالعات راهبردی بسیج، شماره ۷۸، صص ۱۰۱-۱۲۶.

ظهوریان ابوترابی، میثم؛ مرتضوی، سعید؛ لگزریان، محمد؛ فراچی، محمدمهدی (۱۳۹۷)، شناسایی مؤلفه‌های فرهنگ سازمانی جهادی باتکیه بر تجربه مدیران جهاد سازندگی، نشریه مدیریت اسلامی، شماره ۱۰۲، صص ۱۵۲-۱۸۶.

عابدزاده، مسعود (۱۳۹۵)، فعالیت‌های جهادسازندگی دهه ۶۰ ایشان، مصاحبه‌کنندگان: محسن صمدی و احمدیان، مکان مصاحبه: خیابان فرهنگ تهران: تاریخ مصاحبه: ۱۳۹۵/۰۵/۱۲.
عظیمی، حسینعلی (۱۳۹۹)، رسم جهاد، تجربه کار جمعی در جهاد سازندگی، تحقیق و تدوین: علی مشایخی و محمدرضا حسینی، تهران: دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی، انتشارات راه‌یار.
عظیمی، فخرالدین (۱۳۷۴)، بحران دموکراسی در ایران، ترجمه عبدالرضا هوشنگ مهدوی و بیژن نوذری، تهران: البرز.

علیایی، مجتبی (۱۳۹۹)، مروری بر جهاد سازندگی، مصاحبه‌کنندگان: محسن صمدی، علی‌اکبر عرفانی، شریعت‌احمدی، اکبری؛ مکان مصاحبه: دفتر مطالعات جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی؛ تاریخ مصاحبه: ۱۳۹۹/۸/۲۰.

فقیهی، ابوالحسن (۱۴۰۰)، اداره و سیاست در ایران؛ مطالعه بروکراسی در بستر سیاست (۱۳۲۰-۱۳۵۷)، ترجمه مریم حیدری، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.

فوران، جان (۱۳۸۰)، مقاومت شکننده، ترجمه احمد تدین، تهران: موسسه خدماتی فرهنگی رسا.

- قایدعلی، حمیدرضا، سلیمی، غلامرضا (۱۳۹۹)، سیر تطور مدیریت جهادی در نهادهای انقلاب اسلامی (مطالعه موردی جهاد سازندگی)، نشریه مدیریت و پژوهش‌های دفاعی، شماره ۹۰، صص ۱۳۷-۱۵۲.
- قائدعلی، حمیدرضا، عاشوری، مهدی (۱۳۹۳)، مدیریت جهادی شیوه‌ای تحقق‌یافته از مدیریت اسلامی (مطالعه موردی جهاد سازندگی در دهه نخستین انقلاب اسلامی ایران)، نشریه مهندسی فرهنگی، شماره ۸۲، صص ۶۷-۸۳.
- قنبری‌راد، افسانه (۱۳۹۹)، پشتیبانی جهاد سازندگی، مصاحبه‌کننده: خانم پادام، مکان مصاحبه: مدرسه مصلی‌نژاد، تاریخ مصاحبه: ۹۹/۱۱/۲۸.
- کاتوزیان، محمدعلی (۱۳۹۰)، اقتصاد سیاسی ایران از مشروطیت تا پایان سلسله پهلوی، ترجمه محمدرضا نفیسی و کامبیز عزیزی، تهران: نشر مرکز.
- کارشناس، مسعود (۱۳۸۲)، نفت، دولت و صنعتی‌شدن در ایران، مترجمان: علی‌اصغر سعیدی و یوسف حاجی‌عبدالوهاب، تهران: گام نو.
- کچویان، حسین (۱۳۸۴)، توسعه سرابی ویرانگر، گفتمان توسعه هم‌سرنوشت با گفتمان تجدد است، نشریه راهبرد یاس، سال اول، شماره سوم، صص ۱۰۳-۱۲۶.
- لاب، اریک سنדר (۱۳۹۶)، تاریخچه سازمانی جهاد سازندگی ایران از تاسیس تا نهادسازی (۱۳۵۸-۱۳۹۰)، ترجمه هادی جعفری و محسن جعفری، تهران: انتشارات دانشگاه جامع امام حسین (ع).
- مارکوزه، هربرت (۱۳۸۸)، خرد و انقلاب، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: نشر ثالث.
- مصلی‌نژاد، عباس (۱۳۹۳)، سیاست‌گذاری ساختار قدرت در ایران، تهران: انتشارات دانشگاه تهران.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۰)، فلسفه تاریخ، ج ۳، منتشرشده در: مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۱۵، قم: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۰)، نقدی بر مارکسیسم، منتشرشده در: مجموعه آثار شهید مطهری، ج ۱۳، قم: انتشارات صدرا.
- مطهری، مرتضی (۱۳۸۹)، فلسفه تاریخ، ج ۴، انتشارات صدرا، چاپ هفدهم.
- میرزایی، حسین، فراهانی، غلامحسین؛ افشار، علیرضا (۱۳۹۹)، الگوی پارادایمی جهادسازندگی بر اساس گفتمان ولایت فقیه، قانون اساسی و تجارب نظام جمهوری اسلامی ایران، مجله مطالعات بین‌رشته‌ای دانش راهبردی، شماره ۳۹، صص ۹۳-۱۲۰.
- وبر، ماکس (۱۳۸۵)، اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری، ترجمه عبدالکریم رشیدیان، تهران: انتشارات آگه.
- وبر، ماکس (۱۳۹۹)، دین، قدرت، جامعه، ترجمه احمد تدین، تهران: انتشارات هرمس.
- هالیدی، فرد (۱۳۵۸)، دیکتاتوری و توسعه، ترجمه محسن یلفانی و علی طلوع، تهران: انتشارات علم.

- Glaser, B. and Strauss, A. (1967), **The Discovery of the Grounded Theory: Strategies for Qualitative Research**, New York Press.
- Hettne, BjÖrn (1995) **Development Theory and the Three Worlds**. Essex & New York: Longman Scientific & Technical.
- Hirshman, A.D. (1981) **Essays in Trespassing: Economics to Politics and beyond**. Cambridge, Cambridge University Press.
- Iran Almanac and Book of Facts (1975) **Eco of Iran**, Tehran, pp 107-140.
- Keddi, Nikki R. (1988), **Iranian Revolution in Comparative Perspective in Islam, Politics, and Social Movements**, Edited by Edmund Burke and M. Lapidus, London: I.B.Tauris& Coltd.
- Lefebvre, Henri (1968) **The Sociology of Marx**, trans, Norbert Guterman, New York: Partheon Books.
- Marx, Karl (1976), **Capital: A Critique of Political Economy**, vol. 1, translated by Ben Fowkes, London, Penguin Books.
- Neuman, Lawrence,(1997), **Social research methods :qualitative and quantitative approaches**, 3d. ed. Boston,Allyn and Bacon.
- Powell, R. (1999) Recent trends in research: a methodological essay, **Library and Information Science Research**, Vol. 21 No. 1, pp 91-119.
- Scott, William, G & Hart, David, k (1971) The Moral Nature of Man in Organization a Comparative Analysis, **Academy of Management Journal**, Number 14, pp 243-265.
- Strauss, A. and Corbin, J. (1998) **Basics of Qualitative Research: Grounded Theory Procedures and Technique** (2nd Edition), Sage, Newbury Park, London.

